



مشروعیت بنای بر قبور در قرآن و

سیره مسلمانان

مرتضی ابراهیم‌پور*

چکیده

تاریخ وهابیان آکنده از تخریب بناهای واقع بر قبور انبیا، صحابه، تابعان و دیگر صالحان است. محمد بن عبدالوهاب در روزهای نخست تفاهم با عثمان بن معمر، حاکم عیینه، بنای واقع بر قبر زید بن خطاب را تخریب کرد؛ در سال‌های هم‌پیمانی محمد بن عبدالوهاب با محمد بن سعود، این موضوع تبدیل به رویه و سنتی جاری در میان وهابیان شد. آنان پس از تصرف مدینه، آبنیه واقع بر مزارات بقیع را تخریب کردند؛ اکنون نیز، چنانچه ظروف و شرایط، مساعد وهابیان باشد، قبه خضراء رسول-الله ﷺ را تخریب می‌کنند. داعش به تبع وهابیان در سرزمین‌های عراق و سوریه، بناهای واقع بر قبور بسیاری از صالحان را ویران کرده‌اند. وهابیان بر حسب خوانش خود معتقدند، ساخت بنای بر قبور حرام، بدعت و ذریعه شرک است؛ این در حالی است که برخی از آیات قرآن مانند آیه ۲۱ سوره کهف، ۳۲ سوره حج و ۲۳ سوره شوری، دلالت بر جواز بنای بر قبور می‌کنند؛ علاوه بر این، به گواه تاریخ و سیره مسلمانان، از زمان صحابه تاکنون، از نظر مسلمانان در ادوار مختلف، ساخت بنای بر قبور امری مجاز و مشروع است؛ لذا در تحقیق پیش‌رو، به تبیین آیات و سیره مسلمانان در این رابطه پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: بنای بر قبور، وهابیت، سیره مسلمانان در باب بنای بر قبور، آیات دال بر مشروعیت بنای بر قبور، مشروعیت بنای بر قبور.

مقدمه

از جمله موضوعات و مسائل اختلافی میان مسلمانان و وهابیان، ساخت بنا، بارگاه و گنبد بر روی قبور انبیا، اولیا و صحابه است. وهابیت به تبعیت از محمد بن عبدالوهاب، هرگونه بنای بر قبور را بدعت و حرام دانسته و فتوا به تخریب بنا و گنبد بر روی قبور را، صادر کرده‌اند. این در حالی است که بر اساس آیات متعدد قرآن کریم (به عنوان اولین منبع شریعت اسلامی)، و به گواه تاریخ و سیره مسلمانان، ساخت و بنای گنبد و بارگاه بر روی قبور پیامبران و اولیاء الهی، امری نیکو و شایسته است و در طول تاریخ اسلام، این مسئله مورد اهتمام تمام بزرگان اسلام در تمام فرق اسلامی بوده است؛ از این جهت و بر خلاف گفتمان وهابیت که ساخت و بنای بر قبور را حرام و بدعت دانسته‌اند، هیچ گونه حرمتی بر آن مترتب نبوده و در اصل، رسیدگی و ساخت بنای بر قبور پیامبران و اولیاء الهی، به منظور تکریم و زنده نگاه داشتن شعائر الهی می باشد که این امر، برگرفته شده از آموزه های قرآن کریم و سیره بزرگان اسلام است؛ بر این اساس، بنای هرگونه گنبد و بارگاه بر قبور انبیا و اولیا، امری ممدوح و مورد تأکید قرآن و سیره مسلمانان می باشد؛ از این رو، در مقاله پیش رو، به دنبال بررسی مشروعیت بنای بر قبور از دیدگاه قرآن و سیره مسلمانان می باشیم.

قرآن و بنای بر قبور

در این بحث، به آیاتی که برای اثبات جواز بنای بر قبور به آن استناد شده است، اشاره می کنیم.

۱. ماجرای اصحاب کهف

خداوند در ماجرای اصحاب کهف می فرماید: «فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»^۱ در سوره کهف، بعد از اینکه قصه اصحاب کهف را بیان می کند، چنین می فرماید: مردم درباره این گروه به دو دسته تقسیم

۱. سوره کهف، آیه ۲۱.

شدند؛ عده‌ای بر آن بودند که بر آن غار، بنیانی ساخته شود و عده‌ای دیگر که از مؤمنان بودند، چنین اظهار داشتند که بر روی قبر آنها، مسجدی را بنا کنیم.

قرآن این دو پیشنهاد را نقل می‌کند و آنها را مورد اعتراض قرار نمی‌دهد که در واقع می‌توان گفت، این دلالت بر تأیید چنین کاری دارد؛ زیرا اگر ساخت بنا بر قبور ایراد داشت و برخلاف حکم الهی بود، آن را رد می‌کرد.

مفسرین اهل سنت هم بیان کرده‌اند: آن گروهی که گفتند بر روی قبرشان مسجد بسازیم، مؤمن و موحد بودند؛ چنانچه قبلاً بیان شده است. فخر رازی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«ان بعضهم قال: الاولى ان يسد باب الكهف لئلا يدخل عليهم احد و لا يقف على احوالهم انسان و قال آخرون: بل الاولى ان يبنى على باب الكهف مسجد و هذا القول يدل على ان اولئك الاقوام كانوا عارفين بالله، معترفين بالعبادة و الصلاة و القول الرابع: ان الكفار قالوا: انهم كانوا على ديننا، فنتخذ عليهم بنيانا و المسلمون قالوا: كانوا على ديننا، فنتخذ عليهم مسجداً... «قال الذين غلبوا على امرهم» قيل: المراد به الملك المسلم و قيل: اولياء اصحاب الكهف و قيل: رؤساء البلدو «لنتخذن عليهم مسجداً» نعبد الله فيه و نستبقى آثار اصحاب الكهف بسبب ذلك المسجد»؛^۱ بر اساس اقوال موجود در تفسیر آیه کریمه، مردم دیار و سرزمینی که ماجرای اصحاب كهف در میان آنها به وقوع پیوسته بود، پس از اطلاع و آگاهی از سرنوشت اصحاب كهف، دو دسته شدند. گروهی معتقد بودند، برای جلوگیری از انتشار ماجرای اصحاب كهف و بی‌اطلاعی مردم، باید در ورودی غار را با دیوار بست؛ اما گروه دیگر بر این باور بودند که باید بر روی قبور اصحاب كهف، مسجدی ساخته شود و چون سلطان آن دیار، مسلمان و خداپرست بود، نظر گروه دوم را پذیرفت و بر روی قبور اصحاب كهف، مسجدی ساخته شد.

بیضاوی یکی از مفسرین اهل سنت در تفسیر آیه مبارکه می‌نویسد:

«ثم قالت الفتية للملك: نستودعك الله ونعيذك به من شر الجن والإنس، ثم رجعوا

۱. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، ج ۲۱، ص ۱۰۵، ذیل آیه ۲۱ سورة كهف.

إلى مضاجعهم، فماتوا، فدفنهم الملك فى الكهف و نبى عليهم مسجدا»؛^۱
 اصحاب كهف پس از ملاقات با پادشاه، به غار برگشتند و در همان جا از دنیا رفتند.
 پادشاه نیز آنان را در همان غار دفن کرد و بر روی قبور آنان مسجدی ساخت.
 زمخشری در کشف و نسفی در مدارک التنزیل و اسماعیل حقی در روح البیان می-
 گویند: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» ای لنبنین علی باب كهفهم مسجداً یصلی فیه
 المسلمون و یتبرکون بمكانهم»؛^۲ مسلمانان گفتند: بر در آن غار، مسجدی می‌سازیم تا در
 آن نماز خوانده و به مکان آنها تبرک جویند. در کلام آنان، جواز تبرک به قبور اصحاب
 كهف کامل روشن است و این غیر از تبرک شیعه به قبور انبیا و اوصیا و ائمه و بزرگان
 دین، چیز دیگری نمی‌باشد.

بغوی در تفسیر خود از ابن عباس چنین روایت می‌کند: این دو گروه با هم تنازع
 نمودند و سرانجام مسلمانان، غالب شدند و مقرر گردید تا بر قبور اصحاب كهف، مسجد
 بنا کنند.^۳ شکی نیست که شأن و مقام انبیا و ائمه علیهم‌السلام، بالاتر از اصحاب كهف می‌باشد و
 هنگامی که بنای مسجد و اقامه نماز در کنار قبور آنان جایز باشد، به طریق اولی برای انبیا
 و ائمه علیهم‌السلام نیز، جایز است.

لذا علمای اهل سنت بیان کردند که بنای قبور، کنار قبور صالحین، برای تبرک جایز
 است؛ چنانچه ابن حجر عسقلانی و دیگران به این نکته اشاره کرده‌اند.^۴
 همچنین نووی می‌نویسد: تعمیر قبور پیامبران و علما و صالحین برای زیارت و تبرک،
 جایز است.^۵

۱. بیضاوی، ناصرالدین، تفسیر بیضاوی، ج ۳، ص ۴۸۷، ذیل تفسیر آیه مبارکه.
 ۲. «زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۱۱»؛ «نسفی، عبدالله، تفسیر النسفی،
 ج ۲، ص ۲۹۳»؛ «خلوتی، اسماعیل حقی بن مصطفی، روح البیان، ج ۵، ص ۲۳۲».
 ۳. بغوی، حسین، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۶۰.
 ۴. «فأما من اتخذ مسجداً فی جوار صالح وقصد التبرک بالقرب منه لا التعظیم له ولا التوجه نحوه فلا یدخل فی ذلك الوعید»؛
 (ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۲۵)؛ (انصاری لکنوی، محمد، التعلیق الممجد
 علی موطأ محمد، ج ۲، ص ۱۲۸).
 ۵. «يُجَوِّزُ لِلْمُسْلِمِ وَالذَّمِّيِّ الْوُصِيَّةَ لِعِمَارَةِ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَغَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ، وَلِعِمَارَةِ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْعُلَمَاءِ، وَالصَّالِحِينَ، لِمَا
 فِيهَا مِنْ إِحْيَاءِ الزَّيَارَةِ، وَالتَّبَرُّكِ بِهَا»؛ (نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، ج ۶، ص ۹۸).

۲. تعظیم شعائر

خداوند متعال در قرآن کریم امر به تعظیم شعائر الهی کرده و آن را دلیل تقوای قلوب می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱ و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد، این از صفت دل‌های باتقواست.

شعائر، جمع شعیره، به معنای دلیل و علامت است. شعائرالله، یعنی اموری که دلیل و علامت و نشانه به‌سوی خداست و هر کسی که می‌خواهد به خدا برسد، با آن دلیل و نشانه می‌تواند به خدا برسد؛ یا اینکه مراد از شعائرالله، شعائر دین خداست؛ یعنی هر کس که می‌خواهد به حقیقت دین خدا رهنمون شود، برخی از امور، راهنمای اویند که باید آنها را تعظیم کرد.

در قرآن کریم، صفا و مروه از شعائر الهی شمرده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾^۲ همانا صفا و مروه از شعائر دین خداست؛ همچنین، شتری که برای نحر به منا برده می‌شود؛ چراکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾^۳ و نحر شتران فربه را برای شما از شعائر دین خدا مقرر گردانیدیم؛ همچنین مزدلفه، مشعر نامیده شده، به آن دلیل که از علامت‌ها و نشانه‌های دین خداست. تمام مناسک حج، شعائر نامیده شده است؛ به آن دلیل که نشانه‌هایی به‌سوی توحید و دین حنیف است؛ پس اگر این امور، شعائر دین خدایند و مردم را متذکر به توحید و دین می‌کنند، شکی نیست که وجود انبیا و اولیا نیز، از بزرگ‌ترین و بارزترین نشانه‌های دین خداوند است؛ به این سبب که معصوم بوده و سیره و اقوال آنان، مطابق با حق و حقیقت است و می‌توانند بشر را به‌سوی حق، حقیقت و توحید رهنمون سازند؛ حال اگر وجود پیامبر ﷺ، اوصیا و اولیاء الهی چنین خاصیتی دارند، حفظ و صیانت آثار آنان و حفظ قبور و بنای بر آن نیز، در راستای همین اهداف است؛ بنابراین، ساختن بنا بر مقبره شریف پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، از شعائر الهی است و هدف از این کار،

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

۳. سوره حج، آیه ۳۶.

بزرگداشت دین و رسالت است و این عنصر در زمان حیات آن بزرگواران و بعد از وفاتشان، وجود داشته و حتی درباره صلحا و اولیاء الهی، چنین بوده است؛ از این رو، حکم تعظیمی که از اطلاق آیه متبادر است، تنها به شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله و به زمان حیات آن حضرت محدود نمی شود؛ اگرچه ایشان، از بارزترین مصادیق آن هستند.

خلاصه آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای خدا، جزء شعائرالله هستند و قبور آنها هم از شعائرالله است و باید تعظیم شود. حکم کراهت بنای بر قبور، بر فرض آنکه درباره قبور عادی ثابت باشد، درباره این گونه قبور، فعلیت ندارد و در این موارد، عنوان ثانوی «تعظیم شعائر» بر آن منطبق است و تعظیم شعائر، امری پسندیده و ضروری است.

۳. مودت ذوی القربی

قرآن کریم به صراحت، امر به مودت و محبت اقربای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده؛ آنجا که می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛^۱ بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

واضح است که بنای بر قبور اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله، از مصادیق اظهار مودت و محبت اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا مودت و محبت، بروز و ظهور دارد و مورد آن، تنها محبت قلبی و اطاعت نیست؛ بلکه شامل مصادیق آن می شود؛ تا حدی که مشمول نهی صریح از آن مورد نشده باشد؛ پس شکی در این نیست که ایجاد مقبره و تعمیر آن، از جمله مصادیق عرفی ابراز محبت است. این روشی بوده که بین جوامع بشری شایع بوده و برای ابراز وفاداری و محبت مؤسسان و رهبران فرهنگ ها و انقلاب ها، بر روی قبور آنان ضریح ایجاد می کردند و از آن محافظت و نگهداری نموده و در کنار آن، مراسم بزرگ برپا می نمودند. با بررسی این آیات سه گانه، روشن شد که مسئله بنا و ساختن مقبره، مورد پذیرش قرآن است و چیزی از آیات و شواهد قرآنی، آن را نقض نمی کند؛ با این ملاحظه که این آیات سه گانه، قبور اولیا و بزرگانی را دربر می گیرد که از نمادهای دین و نشانه های رسالت به شمار می روند و شامل سایر مردم نمی شود.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

سیره مسلمانان و بنای بر قبور

با مراجعه به تاریخ و مطالعه در این موضوع، به راحتی درمی یابیم که مسلمانان در طول تاریخ اسلام، از زمان صحابه تا کنون، ساختن گنبد و بارگاه و بنای بر قبور را جایز می دانستند و بر روی قبور صحابه، تابعین، ائمه علیهم السلام و بزرگان اسلام، قبه و بارگاه می ساختند و به طور کلی، سیره عملی مسلمانان از ابتدا تا به امروز، برخلاف روایاتی است که وهابی ها مطرح می کنند؛ در واقع، هیچ گاه بنای بر قبور به عنوان یک منکر در بین مسلمانان مطرح نبوده است و تنها وهابیان بودند که در عمل و گفتار، با این کار مخالفت کرده اند. برای آگاهی از این سیره، به نمونه هایی از گنبد و بارگاه ساخته شده بر قبور اشاره می کنیم.

۱. قبور حضرت داوود، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف علیهم السلام

هنگامی که مسلمانان در زمان خلیفه دوم، بیت المقدس را فتح کردند، قبور انبیای گذشته، مانند قبر ابراهیم علیه السلام در شهر الخلیل و قبر اسحاق، یعقوب، داوود و قبر یوسف علیهم السلام و قبر سایر انبیا و اولیا در آن سرزمین، دارای بنا و بارگاه های عظیم و باشکوهی بوده است. اگر بنای بر قبر حرام بود، این بناها به دست مسلمانان تخریب می شد؛ درحالی که مسلمانان، نه تنها آنها را خراب نکردند، بلکه بعد از استقرار در آن سرزمین ها، خودشان این بناها را تعمیر و تجدید کردند. مسلمانان هنگام فتح سرزمین های کفر، بتکده ها و آتشکده ها را خراب می کردند؛ اما در بیت المقدس، با آنکه در اوج قدرت بودند و مانعی برای تخریب قبور وجود نداشت، این کار را نکردند.

ابن تیمیه، خود به این موضوع اعتراف کرده و در کتاب صراط مستقیم بدان تصریح می کند:

«إن البناء الذي على قبر إبراهيم الخليل عليه السلام كان موجودا في زمن الفتوح وزمن الصحابة إلا أنه قال: كان باب ذلك البناء مسدودا إلى سنة الأربع مائة»؛^۱

۱. «و قد كانت البنية التي على قبر إبراهيم عليه السلام مسدودة لا يدخل إليها إلى حدود المائة الرابعة»؛ (ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۳۳۱، فصل فی بدع اعیاد المكان و الزمان)؛ «و كذلك قبر إبراهيم الخليل لما فتح المسلمون البلاد

بنایی که بر قبر ابراهیم خلیل علیه السلام قرار داشته، در زمان فتح بیت المقدس موجود بوده است؛ ولی درب آن بنا تا سال چهارصد، بسته بود. ابن تیمیه خودش اعتراف دارد که این بنا از قبل بوده و در زمان صحابه و بعد از آن تا سال چهارصد هم موجود بوده است.

۲. بارگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تمام مورخان و محدثان شیعه و سنی قائل اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منزل خودش دفن شد و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز، ابوبکر و عمر را در همان جا دفن کردند. سؤال این است که اگر این عمل، حرام بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی کرده است، چرا آن دو نفر را در زیر سقف و داخل بنا دفن کردند؛ بنابراین، همین کار نشان می‌دهد که قرار دادن قبر در داخل بنا، نزد آنان حرام نبوده است.

۳. بارگاه ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

سعید بن محمد بن جبیر می‌گوید:

«روی ابن زباله عن سعید بن محمد بن جبیر أنه رأى قبر إبراهيم عند الزوراء. قال عبدالعزيز بن محمد: و هي الدار التي صارت لمحمد بن زيد بن علي»^۱

قبر ابراهیم، فرزند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در زوراء قرار دارد و من نیز آن را از نزدیک دیده‌ام. عبدالعزیز بن محمد، در معرفی زوراء می‌گوید: زوراء همان خانه‌ای است که بعدها، ملک محمد بن زید بن علی شد.

بر اساس این مطلب، قبر ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در داخل خانه قرار داشته است و اگر وجود بنا و ساختمان بر روی قبر حرام بود، صحابه و مسلمانان صدر اسلام، این خانه را تخریب می‌کردند.

ابن خلکان شافعی در شرح حال ظهیرالدین رودراوی می‌نویسد: «توفی فی النصف

→
 ۱. کان علیه السور السلیمانی ولایدخل إلیه أحد»؛ (ابن تیمیه، احمد، مجموعة الفتاوی، ج ۲۷، ص ۲۷).

۱. سمهودی، نورالدین، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، ج ۳، ص ۸۵، الباب الخامس، الفصل السادس فی تعیین قبور بعض من دفن بالبقیع من الصحابه و اهل البيت و المشاهد المعروفة بالمدينة.

من جمادی الآخره سنه ثمان و ثمانین و أربعمائه و دفن بالبقيع عند القبه التی فیها قبر ابراهیم عليه السلام ابن رسول الله ﷺ؛^۱ روزراوی در نیمه جمادی الآخر سال ۴۸۸ ق، در مدینه منوره از دنیا رفت و در قبرستان بقیع، نزدیک قبه و بارگاه قبر ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ به خاک سپرده شد.

ابن بطوطه متوفای ۷۷۹ هجری قمری نیز، در سفرنامه خود در معرفی مشاهد مشرفه مدینه منوره می نویسد: «و أمامه قبر السلاله الطاهره المقدسه النبویه الکریم ابراهیم بن رسول الله ﷺ و علیه قبه بیضاء»؛^۲ قبر ابراهیم فرزند پیامبر اکرم ﷺ در مقابل قبر مالک بن انس قرار دارد و بر روی قبر ابراهیم نیز، قبه و گنبد سفیدرنگی است. این دو مطلب نشان می دهد، قبر ابراهیم فرزند پیامبر اکرم ﷺ در قرن های پنجم و هشتم، دارای گنبد و بارگاه بوده است.

۴. بارگاه ام حبیبه

ابن شبه، نقل می کند که یزید بن سائب به نقل از پدر بزرگش می گوید:
«عن یزید بن سائب قال: أخبرنی جدی قال: لما حفر عقیل بن أبی طالب فی داره بئرا وقع علی حجر منقوش مكتوب فیه: قبر أمحبیبه بنت صخر بن حرب، فدفن عقیل البئر و بنی علیه بیتا. قال یزید بن سائب: فدخلت ذلک البیت، فرأیت فیه ذلک القبر»؛^۳
هنگامی که عقیل بن ابی طالب، مشغول کندن چاهی در منزلش بود، ناگهان با سنگی مواجه شد که بر روی آن نوشته شده بود: قبر ام حبیبه بنت صخر بن حرب. عقیل پس از مواجه شدن با این سنگ، چاه را پر کرد و بر روی قبر ام حبیبه ساختمانی ساخت. یزید بن سائب می گوید: قبر ام حبیبه و ساختمان ساخته شده توسط عقیل بر روی قبر ام حبیبه را از نزدیک مشاهده کردم.

۱. ابن خلکان، احمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۵، ص ۱۳۵، شرح حال ظهیرالدین روزراوی، ش ۷۰۲.

۲. ابن بطوطه، محمد، اتحفه النظار فی غرائب الأمصار معروف به رحله ابن بطوطه، ص ۱۴۴، الفصل الثالث، الحجاز، وجهاء المدینه و ضواحيها.

۳. «حفر عقیل بن أبی طالب بئرا فی بیته و وقع علی حجر منقوش علیه: قبر أم حبیبه»؛ (ابن شبه نمیری، ابوزید، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۲۰).

۵. بارگاه حمزه بن عبدالمطلب

سمهودی در توصیف مزار حمزه بن عبدالمطلب می گوید:

«ان علی مزاره _ آی مزار حمزة بن عبدالمطلب _ قبة عالية حسنة متقنة و بابہ مصفح كله بالحديد بنته ام الخليفة العباس الناصر لدين الله (سنة ۶۲۲-۵۷۵) ابی العباس احمد بن المستضيئ»^۱

بر مزار او قبه ای عالی، زیبا و محکم است. درب آن آهنی است که در ایام خلافت خلیفه عباسی ناصر دین الله ابوالعباس احمد بن مستضی، در سال ۶۲۲-۵۷۵ق ساخته شده است.

ابن شبه نمیری (۲۶۲-۱۷۳ق) درباره قبور حضرت حمزه علیه السلام و مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش می نویسد:

«و الغالب عندنا أن مصعب بن عمير و عبدالله بن جحش دفنا تحت المسجد الذي بنى علی قبر حمزه»^۲

برخی معتقدند، مصعب بن عمیر و عبدالله بن جحش، به همراه حضرت حمزه در یک قبر مدفون هستند؛ اما قول صحیح این است که این دو نفر، پایین مسجدی که بر روی قبر حضرت حمزه علیه السلام ساخته شده است، دفن شده اند و حمزه علیه السلام، به تنهایی در یک قبر مدفون است. این سند تاریخی نشان می دهد که بر روی قبر حضرت حمزه علیه السلام در قرن سوم، مسجدی قرار داشته است.

۶. گنبد و بارگاه عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع

ابن خلکان شافعی در شرح حال امام سجاد علیه السلام می نویسد:

«و دفن فی البقیع فی قبر عمه الحسن بن علی (رضی) فی القبه التي فیها قبر العباس (رضی)»^۳

۱. سمهودی، نورالدین، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۲، ص ۹۱۱.

۲. ابن شبه نمیری، ابوزید، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. ابن خلکان، احمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۳، ص ۲۶۹، شرح حال زین العابدین امام سجاد علیه السلام، ش ۴۲۲.

امام سجاده علیه السلام در مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمویش، امام حسن مجتبی علیه السلام و در زیر گنبد و بارگاه عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به خاک سپرده شد.

ابن خلکان و صفدی در شرح حال امام باقر علیه السلام نیز می‌نویسند:

«و توفی فی شهر ربیع الآخر سنه ثلاث عشره و مائه و قیل: فی الثالث و العشرین من صفر سنه أربع عشره و قیل: سبع عشره و قیل: ثمان عشره بالحمیمه و نقل إلى المدینه و دفن بالبقیع فی القبر الذی فیہ أبوه وعم أبيه الحسن بن علی رضی الله عنهم فی القبه التي فیها قبر العباس (رضی)»؛^۱

امام باقر علیه السلام در «حمیمه» از دنیا رفت. بدن مطهر آن حضرت به مدینه منتقل شد و در قبرستان بقیع در کنار قبر پدر بزرگوارشان، حضرت سجاده و امام حسن مجتبی علیه السلام در زیر گنبد و بارگاه عباس، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خاک سپرده شد.

این مطلب نشان می‌دهد که قبر عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن مجتبی علیه السلام، قبل از رحلت امام سجاده علیه السلام در سال ۹۴ق، دارای گنبد و بارگاه بوده است.

ابن اثیر جزری نیز در حوادث سال ۴۹۵ق می‌نویسد:

«وفیها توفی الأمیر منظور بن عماره الحسینی أمير المدینه علی ساکنها السلام و قامولده مقامه وهو من ولد المهنا و قد کان قتل المعار الذی أنفذه مجد الملك البلاسانی لعمارہ القبه التي علی قبر الحسن بن علی و العباس و کان من اهل قم، فلما قتل البلاسانی قتله منظور بعد أن امنه»؛^۲

در سال ۴۹۵ق، امیر منظور بن عماره حسینی (امیر و حاکم مدینه) از دنیا رفت و فرزندش به جای او امیر مدینه شد. فرزند امیر منظور، همان کسی است که معماری را که مجدالملک بلاسانی برای بازسازی گنبد و بارگاه عباس عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن مجتبی علیه السلام فرستاده بود، به قتل رساند.

این سند تاریخی نیز نشان می‌دهد، قبر امام حسن مجتبی علیه السلام و عباس عموی

۱. «ابن خلکان، احمد، وفيات الأعيان و انباء أبناء الزمان، ج ۴، ص ۱۷۴، شرح حال امام محمد باقر علیه السلام، ش ۵۶۰»؛

«صفدی، خلیل، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۰۳، شرح حال امام باقر علیه السلام، ش ۱۵۸۳».

۲. جزری، ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۲۶؛ حوادث ۴۹۵ق، ذکر عده حوادث.

پیامبر ﷺ، در حدود سال های ۴۹۵ق، دارای گنبد و بارگاه بوده است.

ابن بطوطه متوفای ۷۷۹ق نیز، در سفرنامه خود در معرفی قبر و بارگاه عباس عموی پیامبر ﷺ و امام حسن مجتبی ﷺ می نویسد:

«و یلیها روضه فیها قبر العباس بن عبدالمطلب عم رسول الله ﷺ و قبر الحسن بن علی بن ابی طالب ﷺ و هی قبه ذاهبه فی الهواء بدیعه الاحکام عن یمین الخارج من باب البقیع»^۱

پشت سر قبور همسران پیامبر اکرم ﷺ و در سمت راست کسانی که از باب البقیع خارج می شوند، گنبد و بارگاهی قرار دارد که قبر عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم ﷺ و امام حسن مجتبی ﷺ در آن قرار دارد. این گنبد و بارگاه، از مابقی گنبدها بلندتر است و از نظر ساخت نیز، از مابقی گنبدها بهتر و محکم تر ساخته شده است.

ابن ابی شیبیه نیز، در مورد روایت ساخت بنای بر قبر ابن عباس، چنین نقل می کند: عُمَرَان بن ابی عَطَاء گوید: هنگام وفات ابن عباس، من شاهد بودم که ابن حنفیه که متولی دفن او بود، سه روز بر قبر او بنایی ساخت.^۲

۷. گنبد و بارگاه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ

حسن بن محمد دیلمی پس از نقل ماجرای آمدن هارون الرشید به نجف اشرف و زیارت کردن قبر حضرت علی ﷺ می نویسد:

«قال الديلمي الحسن بن ابی الحسن محمد فی ارشاد القلوب بعد ما ذکر مجیء هارون إلى القبر: و امر ان تبني علیه قبه بأربعة أبواب؛ و قال أحمد بن علی بن الحسين الحسنی فی کتاب عمده الطالب بعد ما ذکر زیاره الرشید للقبر الشریف: ثم إن هارون أمر، فبنی علیه قبه و أخذ الناس فی زیارته و الدفن لموتاهم حوله؛ و قال السيد عبدالکریم بن أحمد بن طائوس الحسنی فی کتابه فرحه الغری: ذکر ابن طحال أن الرشید بنی علیه

۱. ابن بطوطه، محمد، تحفه النظار فی غرائب الأمصار معروف به رحله ابن بطوطه، ص ۱۴۴؛ الفصل الثالث، الحجاز و جهاء المدينه و ضواحيها.

۲. «حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ قَالَ: ثنا هُشَيْمٌ، عَنْ عُمَرَانَ بْنِ أَبِي عَطَاءٍ، قَالَ: شَهِدْتُ وَفَاةَ ابْنِ عَبَّاسٍ قَوْلِيَهُ ابْنُ الْحَنَفِيَّةِ «فَبَنَى عَلَيْهِ بِنَاءً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (ابن ابی شیبیه، عبدالله، المصنّف في الأحاديث والآثار، ج ۳، ص ۲۴).

بنیاناً بآجر آبیض اصغر من هذا الضريح اليوم من كل جانب بذراع ... و أمر الرشید أن یبنی علیه قبه، فبنیت من طین أحمر و علی رأسها جره خضراء و هی فی الخزانة اليوم»؛^۱ هارون الرشید دستور داد تا بر روی قبر حضرت علی علیه السلام گنبد و بارگاهی با چهار در ورودی ساخته شود. احمد بن علی بن حسین حسنی در کتاب عمد الطالب، پس از نقل ماجرای زیارت قبر حضرت علی علیه السلام توسط هارون الرشید، می نویسد: هارون الرشید دستور داد تا بر روی قبر حضرت علی علیه السلام گنبد و بارگاهی ساخته شود. پس از ساخته شدن گنبد و بارگاه، مردم به زیارت قبر شریف آن حضرت می آمدند و مردگان را نیز در اطراف قبر آن حضرت، دفن می کردند. سید بن طاووس نیز، تعمیر قبر و ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبر حضرت علی علیه السلام توسط هارون الرشید را، به نقل از ابن طحال این گونه بیان می کند: به دستور هارون الرشید، قبر حضرت علی علیه السلام با آجرهای کوچک و سفید رنگ تعمیر شد و بر روی قبر آن حضرت، گنبد و بارگاهی از گل سرخ رنگ ساخته شد.

با توجه به مرگ هارون الرشید در سال ۱۹۳ق، مشخص می شود که ساخت گنبد و بارگاه بر روی قبر حضرت علی علیه السلام در قرن دوم هجری، اتفاق افتاده است.

حسین بن حجاج، شاعر مشهور (متوفی ۳۹۱) قرن سوم و چهارم، قصیده ای در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام دارد و درخصوص قبر و بارگاه آن حضرت، چنین سروده است:

یا صاحب القبة البيضاء علی النجف من زار قبرک و استشفی لدیك شفی^۲

ای صاحب گنبد سفید در نجف، هر کس قبر تو را زیارت کند و نزد آن شفا طلبد، شفا

می یابد.

۸. گنبد و بارگاه حسن بن حسن بن علی

بخاری در صحیح خود، در ذیل باب کراهت اتخاذ مساجد بر قبور نقل می کند: بعد از وفات حسن بن حسن بن علی علیه السلام، همسر او تا یک سال قبه ای بر قبر او زد.^۳

۱. «حسینی عاملی، سیدمحسن امین، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۵۲۶»: «ثقفی کوفی، إبراهیم، الفارات، ج ۲، ص ۸۸۵».

۲. «حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۵۸»: «ابن جوزی، عبدالرحمن، صفة الصفوة، ج ۱، ص ۱۸۷».

۳. «وَلَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ صَرَبَتْ امْرَأَتُهُ الْقُبَّةَ عَلَى قَبْرِهِ سَنَةً»؛ (بخاری، محمد، صحیح

۹. گنبد و بارگاه امام کاظم و امام جواد علیهما السلام

ابن خلکان شافعی به نقل از خطیب بغدادی می‌نویسد:

«و قال الخطیب: توفی فی الحبس و دفن فی مقابر الشونیزیین، خارج القبه و قبره هناك مشهور یزارو علیه مشهد عظیم، فیه قنادیل الذهب و الفضة و أنواع الآلات و الفرض ما لا یحد»؛^۱

امام کاظم علیه السلام در زندان هارون الرشید از دنیا رفت و در مقابر شونیزیین (خارج گنبد)، به خاک سپرده شد. قبر امام کاظم علیه السلام مشهور و معروف است و مردم به زیارت قبر آن حضرت می‌روند.

از این عبارت معلوم می‌شود، اولاً مقبره‌هایی بوده که قبه داشته و حضرت، خارج از آن دفن شده است. امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ ق به شهادت رسید که قرن دوم است؛ بنابراین در قرن دوم، مقابر، قبه‌ها و بناهایی بر قبور، وجود داشته است.

ذهبی نیز در شرح حال امام کاظم علیه السلام می‌نویسد:

«قلت: له مشهد عظیم مشهور ببغداد دفن معه فیه حفیده الجواد و لوالده علی بن موسی مشهد عظیم بطوس»؛^۲

امام موسی کاظم علیه السلام دارای مشهد و بارگاه مشهور و بزرگی در بغداد است که نوّه ایشان، امام جواد علیه السلام نیز در همان بارگاه مدفون است. پسر بزرگوار امام کاظم علیه السلام، حضرت رضا علیه السلام نیز در طوس، بارگاه بزرگ و با عظمتی دارد.

۱۰. گنبد و بارگاه امام رضا علیه السلام

در باره حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که در قبه هارون دفن گردیدند و در این باره، در تاریخ چنین نقل شده است:

«أن الامام علی بن موسی الرضا دفن فی القبة التي دفن فیها هارون الرشید بطوس

بخاری، ج ۲، ص ۸۸.

۱. ابن خلکان، احمد، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، ج ۵، ص ۳۱۰؛ شرح حال امام کاظم علیه السلام، ش ۷۴۶.

۲. ذهبی، محمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۷۴؛ شرح حال امام موسی کاظم علیه السلام، ش ۱۱۸.

فی دار حمید بن قحطبه الطائی»؛^۱

همانا امام رضا علیه السلام در قبه‌ای دفن شدند که هارون الرشید در آن دفن شده بود و در طوس در منزل حمید بن قحطبه طایی، قرار داشت.

علامه مجلسی، درباره محل شهادت و دفن امام رضا علیه السلام می‌نویسد:

«و مشهده بطوس و خراسان فی القبه التي فيها هارون إلى جانبه مما يلي القبلة و هی

دار حمید بن قحطبه الطائی فی قریه یقال لها سنا باز من رستاق نوقان»؛^۲

امام رضا علیه السلام در روستای سنا باز از توابع طوس در خراسان به شهادت رسید و در منزل

حمید بن قحطبه در کنار هارون الرشید، زیر گنبد و بارگاهی که هارون الرشید در آن دفن شده بود، به خاک سپرده شد.

شیخ صدوق و ابن شهر آشوب مازندرانی نیز، به نقل از اباصلت هروی، پیشگویی امام

رضا علیه السلام درباره محل دفنش را این‌گونه نقل می‌کنند:

«ثم دخل دار حمید بن قحطبه الطئی و دخل القبه التي فيها قبر هارون الرشید، ثم

خط بیده إلى جانبه، ثم قال: هذه تربتی و فیها أدفن و سيجعل الله هذا المكان مختلف

شیعتی»؛^۳

امام رضا علیه السلام پس از ورود به منزل حمید بن قحطبه، داخل قبه و بارگاه هارون الرشید

شد و سپس با انگشتان مبارکشان در کنار قبر هارون خطی کشید و فرمود: اینجا محل

دفن من است و خداوند این مکان را محل رفت و آمد شیعیان قرار خواهد داد.

۱۱. گنبد و بارگاه سلمان فارسی

خطیب بغدادی شافعی (متوفای ۴۶۳ق) می‌نویسد:

«و قبره الان ظاهر معروف بقرب ایوان کسری، علیه بناء و هناك خادم مقيم لحفظ

۱. حسینی عاملی، سید محسن امین، کشف الإرتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص ۳۰۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۹، ص ۱۱؛ تاریخ الامام ابی الحسن الرضا علیه السلام، باب النصوص علیه علیه السلام، ح ۲۱.

۳. «ابن بابویه، محمد، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۷، باب ۳۹ خروج الرضا علیه السلام من نیشابور إلى طوس و منها إلى مرو، ح ۱»؛ «ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۴، باب امامه أبی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام، فصل فی خرق العادات».

الموضع و عمارته و النظر فی أمر مصابحه و قد رأیت الموضع و زرتة غیره مره»^۱؛
 قبر سلمان فارسی هم اکنون در نزدیکی ایوان کسری مشخص و معروف است. روی
 قبر سلمان فارسی بنایی ساخته شده است. یک نفر خدمت‌گزاری و امور مربوط به حفظ،
 آبادانی و رتق و فتق امور مقبره سلمان فارسی را به عهده گرفته و به صورت دائمی در همان
 مکان ساکن شده است. بارگاه و مقبره سلمان فارسی را از نزدیک دیده‌ام و بارها قبر این
 صحابی پیامبر اکرم ﷺ را زیارت نموده‌ام.

۱۲. گنبد و بارگاه طلحه

ابن بطوطه (متوفای ۷۷۹ق) در سفرنامه خود در معرفی قبر و بارگاه طلحه می‌نویسد:
 «و من المشاهد المبارکه بالبصره مشهد طلحه بن عبیدالله و هو بداخل المدینه و علیه
 قبه و جامع و زاویه فیها الطعام للوارد و الصادر و اهل البصره یعظمونه تعظیماً شدیداً»^۲؛
 یکی از مشاهد مبارکه در بصره، مشهد و بارگاه طلحه بن عبیدالله است. قبر و بارگاه
 طلحه در داخل شهر بصره قرار دارد. بر روی قبر طلحه، گنبدی قرار دارد. بارگاه و مقبره
 طلحه به عنوان مسجد جامع بصره استفاده می‌شود. در گوشه‌ای از بارگاه طلحه، برای
 زائران قبرش غذا پخته می‌شود. مردم بصره برای این مکان احترام زیادی قائل هستند.

۱۳. بارگاه ابوحنیفه

ابن جوزی در حوادث ۴۵۹ق می‌نویسد:
 «و فی هذه الأيام بنی ابوسعد المستوفی الملقب شرف الملک مشهد الإمام ابی حنیفه
 (رضی) و عمل لقبره ملبنا و عبد القبه... فلما جاء شرف الملک سنه ثلاث و خمسين
 عزم علی إحداث القبه و هی هذه، فهدم جمیع أبنیه المسجد و ما یحیط بالقبر و بنی هذا
 المشهد، فجاء بالقطاعین و المهندسین و قدر لهما ما بین ألوف أجر و ابتاع دوراً من جوار
 المشهد و حفر أساس القبه»^۳؛

۱. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد أو مدینه السلام، ج ۱، ص ۱۶۳، شرح حال سلمان فارسی، ش ۱۲.
 ۲. ابن بطوطه، محمد، تحفه النظار فی غرائب الامصار معروف به رحله ابن بطوطه، ص ۲۰۳-۲۰۴، الفصل الرابع، العراق و
 فارس، من النجف إلى البصره.
 ۳. جوزی، جمال‌الدین، المنتظم فی تواریخ الملوك و الأمم، ج ۹، ص ۴۶۸-۴۶۷.

در همین سال‌ها ابوسعید مستولفی ملقب به شرف الملک، با تخریب مسجدی که بر روی قبر ابوحنیفه ساخته شده بود و با خریدن زمین‌ها و خانه‌های اطراف قبر ابوحنیفه و تخریب آنها و با دعوت از بناها و مهندسین و با استفاده از هزاران آجر، گنبد و بارگاه بزرگی بر روی قبر ابوحنیفه ساخت.

۱۴. گنبد و بارگاه شافعی

ذهبی درباره قبر و بارگاه محمد بن ادريس شافعی می‌نویسد: «تملك الديار المصرية أربعين سنة و عمر دار الحديث بها و قبه على ضريح الإمام الشافعی»؛^۱ ملک کامل (متوفای ۶۳۵ ق)، بر روی ضريح شافعی، قبه و گنبدی ساخت.

۱۵. گنبد و بارگاه مالک بن انس

ابن بطوطه (متوفای ۷۷۹ ق) در سفرنامه خود در معرفی قبر و بارگاه مالک بن انس، پیشوای فقهی مالکیه می‌نویسد: «و أمامها قبر إمام المدينة أبي عبدالله مالك بن أنس (رضی) و علیه قبه صغيره مختصره البناء»؛^۲ قبر مالک در مقابل قبر صفیه دختر عبدالمطلب و عمه پیامبر اکرم ﷺ و مادر زبیر بن عوام قرار دارد. بر روی قبر مالک بن انس، گنبد و ساختمان کوچکی قرار دارد.

۱۶. بارگاه احمد بن حنبل

در کتاب مختصر طبقات الحنابلة درباره امام احمد بن حنبل آمده است: «احمد بن حنبل، امام الحنابلة، المتوفى ۲۴۱ ق، قبره ظاهر مشهور يُزار و يتبرک به»؛^۳ احمد بن حنبل، امام حنبلی‌ها، متوفای سال ۲۴۱ هجری، قبرش پیدا و مشهور است و زیارت و تبرک می‌شود. ذهبی هم می‌نویسد: «ضريحه يزار ببغداد»؛^۴ ضريح احمد بن حنبل در بغداد زیارت می‌شود.

۱. ذهبی، محمد، دول الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷، حوادث ۶۳۵ هجری قمری.

۲. ابن بطوطه، محمد، تحفه النظار فی غرائب الأمصار معروف به رحله ابن بطوطه، ص ۱۴۴، الفصل الثالث، الحجاز ۳ وجهاء المدينة وضواحيها.

۳. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الکتاب و السنة والأدب، ج ۵، ص ۱۹۷.

۴. ذهبی، محمد، دول الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۳.

۱۷. گنبد و بارگاه معروف کرخی

ابن جوزی در حوادث ۴۵۹ق، می نویسد:

«و فی ليله الأحد سلخ شعبان احترقت تربه معروف الكرخي و كان السبب أن القيم بها كان مريضا، فطبخ له شعيرف فتعدت النار إلى خشب و بواری هناك و ارتفعت إلى السقوف، فأثت على الكل، فاحترقت القبه و الساباط و جميع ماكان، ثم أمر القائم بأمر الله بعماره المكان... و بنيت تربه قبر معروف فی ربيع الأول و عقد مشهده أزاها بالجص و الآخر»^۱

در ماه شعبان همدین سال، قبر و بارگاه معروف کرخی در آتش سوخت. علت آتش سوزی این بود که شخص متولی امور مقبره، مریض شده بود. هنگام پختن غذا برای او، آتش شعله‌ور شد و چوب‌ها و حصیرهای موجود در محل آتش گرفت. دهلیز و گنبد و بارگاه و تمامی وسایل موجود در مقبره در آتش سوخت. به دستور القائم بامرالله در ربیع‌الاول سال ۴۶۰ق، قبر معروف کرخی بازسازی و بارگاهی با گچ و آجر بر روی قبر او ساخته شد.

نتیجه

با وجود مطالب و شواهد ذکرشده از آیات و سیره مسلمانان، آیا بازهم می‌توان ادعا کرد که ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبور، حرام و بدعت است؟ اگر ساختن بارگاه و گنبد بر روی قبور حرام بود، چرا علمای زیادی که در قرون اولیه زندگی و در مقابل برخی مسائل، ایستادگی کردند، ساختن بارگاه و گنبد بر روی قبور را انکار نکرده و مسلمانان و حاکمان را از این کار منع نکردند؟! از این جهت و بر اساس دلایل مطرح شده از آیات قرآن کریم و تاکید آن آیات بر حفظ آثار گذشتگان و همچنین سیره عملی مسلمانان در طول تاریخ، مبنی بر صیانت آثار و حفظ ابنیه، گواه روشنی بر جواز بنای بر قبور و ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبور انبیا و اولیا می‌باشد و برای احدی جای شک و تردید باقی نمی‌ماند که بنای بر قبور، نه تنها مشکل شرعی ندارد، بلکه امری مطلوب و مرغوب است.

۱. جوزی، جمال‌الدین، المنتظم و فی تواریخ الملوك و الأمم، ج ۹، ص ۴۷۱-۴۶۹-۴۶۸.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. انصاری، محمد عبدالحی، شرح لموطأ، تعلیق و تحقیق: تقی الدین الندوی، دمشق: دارالقلم، چاپ چهارم، ۱۴۲۶ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، أحمد، تقریب التهذیب، تحقیق: محمد عوامه، سوریه: دارالرشید، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن ابی شیبہ، عبد اللہ، المصنّف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکرّم، الکامل فی التاریخ، ترجمه: علی شیر، لبنان: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۶. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، تحفة النظار في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار، رباط: أكاديمية المملكة المغربية، ۱۴۱۷ق.
۷. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، مجموعه الفتاوی، تحقیق: عامر جزار و انور باز، بی جا: مؤسسة دار الوفا، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۸. ابن تیمیہ، أحمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، تحقیق: ناصر عبدالکریم العقل، بیروت: دار عالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن، صفة الصفوة، تحقیق: أحمد بن علی، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۱ق.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۱۱. ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بی جا: دار صادر، ۱۳۹۸ق.
۱۲. ابن شبه نمیری بصری، ابوزید عمر بن شبه، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل أبي طالب، تحقیق: آشتیانی، قم: نشر علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۱۴. بخاری، محمد، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بیروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۶. بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، تحقیق: شعب الازناؤوط - محمد زهیر الشاوبش، دمشق - بیروت: المکتب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۱۷. بیضاوی، ناصرالدین، **تفسیر البیضاوی**، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۸. جوزی، جمال الدین، **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
۲۰. حسینی عاملی، سیدمحسن امین، **أعیان الشیعه**، تحقیق: حسن الامین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
۲۱. حسینی عاملی، سیدمحسن امین، **کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب**، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۲۲. خطیب بغدادی شافعی، ابوبکر احمد بن علی، **تاریخ بغداد أو مدینه السلام**، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲۳. خلوتی، اسماعیل حقی بن مصطفی، **روح البیان**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۴. ذهبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، **سیر أعلام النبلاء**، تحقیق: شعیب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت: بی تا، چاپ یازدهم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد، **دول الإسلام**، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۹م.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمرو، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوّم، ۱۴۰۷ق.
۲۷. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، **وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی**، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، **عیون أخبار الرضا**، مشهد: طوس، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۲۹. صفدی، خلیل بن ایبک، **الوافی بالوفیات**، تحقیق: أحمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ق.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسین رازی، **التفسیر الكبير و مفاتیح الغیب**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۲. نسفی، عبدالله، **تفسیر النسفی** (مدارك التنزیل وحقائق التأویل)، تحقیق: یوسف علی بدیوی، بیروت: دارالکلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۳. نووی، محی الدین، **روضة الطالبین وعمدة المفتین**، محقق: عادل أحمد عبدالوجود، علی محمد معوض، بیروت: دارالكتاب العلمیة، بی تا.